





مجموعه گزارش‌های تخصصی آموزش عالی؛ شماره ۱۳

آسیب‌شناسی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو

پژوهشگر:

سمیه فریدونی

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

تابستان ۱۳۹۹

نام گزارش: آسیب‌شناسی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو؛ شماره ۱۳
پژوهشگر: دکتر سمیه فریدونی
ناظر: دکتر نسرين نورشاهی
ناظر فنی چاپ: پروین قشلاقی
سال چاپ: ۱۳۹۹
شمارگان: ۵۰ نسخه
نشانی: خیابان نلسون ماندلا، خیابان گلفام، شماره ۷۰، صندوق پستی: ۴۱۵۹-۱۹۳۹۵
تلفن: ۱۸-۲۲۰۱۰۶۱۶، دورنگار: ۲۲۰۵۰۳۳۸
وبگاه: www.irphe.ir، پست الکترونیکی: institute@irphe.ir

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و جز اینها برای ناشر محفوظ است.

(نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.)

مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در این گزارش بر عهده پژوهشگر است.

فهرست مطالب

دیباچه	ج
چکیده	ه
مقدمه	۱
سابقهٔ گزینش بومی در ایران	۱
مصوب ۲۱۳ جلسه مورخ ۱۱-۰۲-۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی - تصویب کلیات طرح پیشنهادی سازمان سنجش آموزش کشور در مورد گزینش بومی آزمون سراسری	۳
الف - آزمون سراسری سال تحصیلی ۶۹-۱۳۶۸	۳
ب - گزینش فرضی آزاد	۴
مروری بر برخی پژوهش‌های مرتبط	۱۶
بحث و نتیجه‌گیری	۲۵
منابع:	۳۳

دیباچه

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی به مثابه نهادی علمی و تخصصی با رسالت دانش‌پژوهی در قلمرو آموزش عالی و رویکردی میان‌رشته‌ای، محور اصلی فعالیت‌های خود را به کارویژه‌های: ۱- تولید و ارتقاء دانش نظری و کاربردی در حوزه آموزش عالی ۲- انتقال و اشاعه دانش آموزش عالی به ذی‌نفعان در سطح خرد و کلان ۳- سیاست‌پژوهی و تحلیل سیاست‌های آموزش عالی قرار داده است. در این راستا به منظور پاسخگویی سریع، مؤسسه تدوین گزارش‌های تخصصی که رویکردی چابک و کوتاه‌مدت است را در کنار انجام طرح‌های پژوهشی به کار گرفته است.

مجموعه حاضر شامل گزارش‌های تخصصی آموزش عالی است و از نیمه دوم سال ۱۳۹۷ برای انتشار و بهره‌برداری ذی‌نفعان آماده شده است. گستره موضوعی این گزارش‌ها طیف وسیعی از چالش‌ها و دغدغه‌های کنونی در حوزه آموزش عالی نظیر: مدیریت و حکمرانی، توسعه کمی و کیفی، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، منابع مالی و انسانی، بین‌المللی شدن و جذب دانشجویان خارجی، ارزیابی و تضمین کیفیت، مطالعات تطبیقی، تحلیل سیاست‌های آموزش عالی و ... می‌باشد. این گزارش‌ها سعی دارند ضمن تحلیل وضعیت موجود، راهکارهایی مفید و مؤثر در جهت بهبود نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشورمان در سطح خرد و کلان ارائه نمایند.

در پایان ضمن دعوت از همه متخصصان و صاحب‌نظران آموزش عالی به مشارکت در این برنامه پژوهشی، خواهشمند است نظرات و نقدهای ارزشمندتان را در خصوص هر یک از گزارش‌ها به این مؤسسه ارسال نمایند.

رضا منیعی

معاون پژوهشی مؤسسه

چکیده

سیاست‌های بومی‌گزینی پذیرش دانشجو مسئله‌ای است که کارشناسان آموزش عالی در خصوص آن بحث‌های مفصلی داشته و موافقان و مخالفان بسیاری دارد. نوشتار پیش‌رو با بررسی تاریخچه این قوانین، مصاحبه با تعدادی از کارشناسان مربوط، مروری بر پژوهش‌های انجام شده و درنهایت سنجش فضای رسانه‌ای، امکان ارزیابی وضعیت موجود و در نتیجه آسیب‌شناسی این دسته از سیاست‌ها را فراهم می‌آورد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم بومی‌گزینی در سیر تحولات تاریخی و قانونی، به‌لحاظ محتوایی نیز تغییر کرده و مغایرت جدی با اصل عدالت آموزشی در قانون اساسی پیدا کرده است. همچنین کاهش سطح علمی دانشگاه‌های برتر، ایجاد چالش‌های امنیتی در مناطق مرزی و قومی، انزوای زبان ملی، عدم و یا قطع ارتباط نخبگان مناطق محلی با نخبگان و مردم دیگر نقاط ایران و کاهش قدرت پذیرش فرهنگ‌های متفاوت، از جمله آسیب‌های جدی این طرح‌هاست. این در حالیست که براساس آمارهای موجود اهدافی که طراحان سیاست‌های بومی‌گزینی به دنبال آن بوده‌اند مانند رفع مشکلات اجتماعی ناشی از ورود دانشجویان غیربومی به شهرهای بزرگ، مسائل مالی و معیشتی دانشجویان و معضلات مربوط به اسکان و خوابگاه نیز در بازه زمانی مورد نظر کاهش محسوسی نداشته‌اند.

مقدمه

سیاست‌های بومی‌گزینی پذیرش دانشجو که ابلاغی شورای عالی انقلاب فرهنگی است، به ویژه از زمانی که با سیاست‌های گسترش کمی آموزش عالی در ایران همراه شد، پیامدهای گوناگونی را با خود به همراه آورد. از این رو همچنان این سیاست محل مناقشه‌ای جدی بوده و موافقان و مخالفان بسیاری دارد که هریک از طریق نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام داده‌اند به دنبال اثبات ادعای خود و رد آن دیگری هستند. به نظر می‌رسد دست کم پس از بیش از ۳۰ سال از شروع سیاست‌های بومی‌گزینی پذیرش دانشجو و تحولاتی که این سیاست تجربه کرده است می‌توان آن را به بوته‌ی نقد و آزمون درآورد. از این رو در گزارش پیش‌رو بر آن هستیم فرایند بیش از ۳۰ ساله‌ی سیاست‌های بومی‌گزینی پذیرش دانشجو را با نگاهی به نتایج و پیامدهای آن و با استناد به نظرات موافقان و مخالفان این حوزه بررسی نماییم. همچنین آن چه در نتیجه‌ی این بحث تلاش شده تا حاصل آید، تحلیل و بررسی وضعیت موجود بومی‌گزینی در آموزش عالی ایران و پیشنهاداتی راهبردی برای آینده خواهد بود.

سابقه‌ی گزینش بومی در ایران

تاریخچه اعمال سهمیه‌بندی در پذیرش دانشجو برای رفع محرومیت‌ها به سال‌های دور بر می‌گردد؛ به عنوان نمونه در سال ۱۳۴۸ دانشگاه‌های شهرستان‌ها تا حدود ۵۰ درصد از دانشجویان خود را از بین داوطلبان محلی انتخاب می‌کردند. بنابراین سابقه‌ی گزینش بومی در ایران به قبل از انقلاب باز می‌گردد. به طوری که در دوره‌ی پهلوی این سهمیه ۱۵ تا ۲۰ درصد بود و بر طبق این طرح، درصد فوق‌الذکر به ساکنان هر منطقه تعلق می‌گرفت.

پس از انقلاب اسلامی با توجه به سیاست‌های عدالت خواهانه‌ی جمهوری اسلامی و رفع محرومیت از مناطق، و برای آن که دانش آموزان مناطق محروم نیز بتوانند به دانشگاه‌ها راه یابند و بتوان نیروی انسانی تحصیل‌کرده‌ی این مناطق را از میان مردمان همان مناطق گزینش و تربیت کرد، تغییراتی در این رویکرد مد نظر قرار گرفت که در ادامه به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

بعد از انقلاب فرهنگی و پایان تعطیلی سه ساله دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۱ داوطلبان به سه گروه کلی داوطلبان آزاد، داوطلبان منطقه‌ای و داوطلبان نهادهای تقسیم می‌شدند. داوطلبان آزاد، شامل کسانی می‌شد که دیپلم خود را از استان تهران یا یکی از شهرهای تبریز، ارومیه، رشت، ساری، مشهد، کرمان، زنجان، سمنان، یزد، اراک، اصفهان، کرمانشاه، همدان و شیراز اخذ نموده بودند. داوطلبان منطقه‌ای نیز شامل افرادی که جزو منطقه آزاد نبودند می‌شد. البته این داوطلبان در صورت تمایل می‌توانستند از سهمیه آزاد استفاده کنند. سهمیه هریک از گروه‌های فوق‌الذکر حدوداً معادل یک سوم کل ظرفیت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بود.

اما از سال ۱۳۶۳ پذیرش دانشجویان در سراسر کشور به پنج منطقه در قالب سهمیه مناطق تقسیم‌بندی شد که با وقوع جنگ تحمیلی و تبعات ناشی از آن، سهمیه‌هایی مانند خانواده شهداء، رزمندگان و شاهد (فرزندان شهدا) نیز اضافه شد و این روند تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت. تا این که از سال ۱۳۶۸ به بعد، سهمیه مناطق از پنج منطقه به سه منطقه تقلیل یافت.

در این مسیر پژوهش‌ها و بررسی‌های سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ حاکی از این بود که مشکلات آموزشی دانشگاه‌ها از قبیل مشروطی، اخراجی و افت تحصیلی دانشجویان در آن سال‌ها از یک سو و نداشتن یا نامناسب بودن خوابگاه‌ها و عدم دسترسی به حداقل امکانات رفاهی لازم دانشجویان، فشار روانی پذیرفته شدن در مکانی دور از محل زندگی و خانواده و اثرات روانی و اجتماعی منفی ناشی از آن از سوی دیگر، با یکدیگر مربوط بوده و باعث افت تحصیلی دانشجویان شده است. از این رو در سال ۱۳۶۹ با توجه به گسترش رشته‌های تحصیلی و ماهیت هر رشته، توسعه مراکز آموزش عالی در سطح کشور، و عوامل اجتماعی - روانی که به آن‌ها اشاره شد، طرحی در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید که تغییرات عمده‌ای را در گزینش بومی به همراه داشت. از جمله مهم‌ترین این تغییرات تقسیم‌بندی رشته‌ها به چهار دسته رشته‌های استانی، ناحیه‌ای، قطبی و کشوری بودند که در این صورت ملاک تعیین بومی بودن، محل اخذ مدرک تحصیلی سه سال آخر دوره متوسطه برای داوطلبان بود. هرچند طی سال‌های بعد این طرح

تغییرات بسیار جزئی داشت، ولی اصل گزینش بومی کنونی را می‌توان از نتایج مصوبه مذکور دانست.

متن طرح ارائه شده در این سال که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید به قرار زیر است:

مصوب ۲۱۳ جلسه مورخ ۱۱-۰۲-۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی - تصویب کلیات طرح پیشنهادی سازمان سنجش آموزش کشور در مورد گزینش بومی آزمون سراسری

کمیت‌ه طرح و برنامه ریزی کنکور در نتیجه، مذاکرات جلسات متعدد و با توجه به بررسی‌های بعمل آمده، طرح زیر را به منظور رسیدن به هدف اصلی یعنی بومی کردن گزینش دانشجو، ضمن حتی الامکان رعایت اصل تقسیم ظرفیت رشته‌ها به نسبت مساوی بین علاقه‌مندان ورود به آموزش عالی کشور، جهت طرح و تصویب در شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم می‌دارد:

الف - آزمون سراسری سال تحصیلی ۶۹-۱۳۶۸

در این آزمون ظرفیت کلیه رشته‌های مختلف تحصیلی بدون توجه به محل تشکیل آنها و محل سکونت داوطلبان، به نسبت متساوی بین داوطلبان نقاط مختلف کشور (که از امکانات آموزشی نسبتاً یکنواختی برخوردار بوده‌اند) طوری تقسیم شده است که داوطلبان برای ورود به همه رشته‌های تحصیلی عالی از شانس قبولی نسبتاً یکنواختی برخوردار باشند.

جدول مهاجرت دانشجویی (جدول شماره ۱ پیوست) به طور متوسط درصد بومی رادر سطح استان ۳۷ درصد نشان می‌دهد. از طرف دیگر طبق گزارش پیوست، گسترش رشته‌های مختلف تحصیلی در سطح کشور متناسب و متعادل با تعداد جمعیت (یا داوطلبان دیپلمه) نقاط مختلف کشور انجام گرفته است. که این عدم تناسب خود یکی از مشکلات اساسی در تأمین هدف بومی کردن گزینش دانشجو و مانعی در راه اجرای اصل تقسیم ظرفیت رشته‌ها به نسبت متساوی بین داوطلبان نقاط مختلف کشور بشمار می‌رود.

ب - گزینش فرضی آزاد

در این گزینش که به منظور بررسی استفاده آماری انجام گرفته هیچ نوع سهمیه‌ای لحاظ نشده و فقط باتوجه به نمرات فعلی داوطلبان اجرا شده است. جدول مهاجرت دانشجویی در سطح استان بومی بودن رابه طور متوسط ۴۰ درصد نشان می‌دهد.

ج - طرح پیشنهادی گزینش بومی آزمون سراسری برای رسیدن به هدف فوق‌الذکر همه رشته‌های مختلف تحصیلی باتوجه به ماهیت رشته‌ها، گسترش آنها در سطح کشور و نیاز جامعه به نوع تخصص‌ها به پنج دسته به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

۱-۱- رشته‌های استانی: رشته‌هایی که در اکثر استانها گسترش داشته از نظر کاربردی نیز به متخصصان بومی نیاز دارند. این رشته‌ها عبارتند از: رشته‌های مقطع

کاردانی، پرستاری و پزشکی

۲-۱- رشته‌های ناحیه‌ای: رشته‌هایی که در اکثر استانها وجود نداشته ولی در چند استان مجاور ده به عنوان یک ناحیه تلقی می‌شود. نسبتاً گسترش یافته اند. این رشته‌ها عبارتند از:

رشته‌های مامایی و دبیری

۲-۱- ناحیه‌بندی: در جدول زیر استان‌های هر ناحیه صورت داده شده است.

شماره ناحیه	استانهای ناحیه
۱	تهران - سمنان - مرکزی - زنجان
۲	آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی
۳	اصفهان - چهارمحال بختیاری - یزد
۴	سیستان و بلوچستان - کرمان - هرمزگان
۵	بوشهر - فارس - کهگیلویه و بویراحمد
۶	باختران - کردستان - همدان
۷	ایلام - خوزستان - لرستان
۸	خراسان
۹	گیلان - مازندران

۱-۳ - رشته‌های قطبی: رشته‌هایی که در اکثر نواحی وجود نداشته ولی در چند ناحیه مجاور که به عنوان قطب تلقی می‌شود، گسترش یافته‌اند. این رشته‌ها عبارتند از: رشته‌های مهندسی، برق، مهندسی عمران، مهندسی مکانیک، مهندسی کشاورزی، شیمی، زمین شناسی، دندانپزشکی، داروسازی، زبان و ادبیات فارسی، علوم اجتماعی، تاریخ، روانشناسی و علوم تربیتی

۱-۳-۱ - قطبها و استانهای هر قطب در جدول زیر صورت داده شده است:

قطب	استانهای قطب
تهران یا شمال	تهران، گیلان، مازندران، سمنان، مرکزی و زنجان
خراسان یا شرق	خراسان، کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان
آذربایجان یا غرب	آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، باختران، کردستان و همدان
اصفهان یا مرکز	اصفهان، یزد، چهارمحال و بختیاری، لرستان، ایلام و خوزستان
شیراز یا جنوب	فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد

۱-۴ - رشته های کشوری: رشته هایی که در اکثر قطبها وجود نداشته تنها در معدوی از دانشگاه‌های کشور ارایه می‌شوند. این رشته ها عبارتند از: دیگر رشته‌ها جز رشته های مندرج در بندهای فوق‌الذکر

تبصره: با توجه به ظرفیت و گسترش رشته‌های استانی، ناحیه ای و یا قطبی برخی از آنها با نظر کمیته طرح و برنامه‌ریزی کنکور به عنوان رشته‌های کشوری تعیین می‌شوند. مانند رشته های معماری (مقطع کاردانی) و رشته‌های دبیر فنی.

۱-۵ - رشته‌های خاص: این گونه رشته‌های تحصیلی ماهیتاً کاربردی نیست بلکه علمی محض است. این رشته‌ها عبارتند از فیزیک و ریاضی

۲- سهمیه بندی، تخصیص ظرفیت و روش گزینش

۱ - ۲ - بخش‌های مختلف کشور با توجه به شاخص‌های ضریب محرومیت (به ویژه محرومیت آموزشی) به سه منطقه ۱ و ۲ و ۳ تقسیم‌بندی می‌شوند.

تبصره ۱: کشورهای حوزه خلیج فارس بایک درجه امتیاز در سهمیه منطقه محروم‌تر قرار می‌گیرند.

تبصره ۲: داوطلبان عشیره نیز با یک درجه امتیاز در سهمیه منطقه محروم‌تر قرار می‌گیرند.

۲-۲ - هرگونه امتیاز سهمیه‌بندی در رشته‌های استانی، ناحیه‌ای و قطبی به ترتیب به داوطلبان بومی استان، بومی ناحیه، و بومی قطب ذیربط داده می‌شود.

۲-۳ - ۲۰ درصد ظرفیت رشته‌های مربوط به بندهای ۱-۱، ۱-۲، ۱-۳ به صورت آزاد و ۸۰ درصد بقیه به داوطلبان شرکت‌کننده در سهمیه مناطق، نهادها (خانواده شهدا، جهادگران و نهضت سوادآموزی) و رزمندگان بومی استان، ناحیه و یا قطب ذیربط تعلق می‌گیرد.

۲-۴ - همه ظرفیت رشته‌های کشوری (بند ۴-۱) به داوطلبان بومی مناطق، نهادها و رزمندگان اختصاص می‌یابد.

۲-۵ - در رشته‌های خاص هیچ نوع سهمیه‌ای اعمال نمی‌شود و داوطلبان صرفاً برحسب نمره فضلی‌گزینش می‌شوند.

۲-۶ - سهم هریک از مناطق (۱، ۲، ۳) و نهادها به نسبت مساوی با توجه به تعداد داوطلبان علاقه‌مند شرکت‌کننده در هر یک از سهمیه‌های ذیربط محاسبه و اختصاص می‌یابد.

تبصره ۱: همه ساله نوع رشته‌های تحصیلی استانی، ناحیه‌ای، قطبی، کشوری و خاص با نظر کمیته برنامه‌ریزی کنکور اصلاح و تعیین می‌شود.

تبصره ۲: باتوجه به عدم تعادل گسترش رشته‌ها در سطح کشور (به ویژه استانهای محروم) توسط کمیته طرح و برنامه‌ریزی معین تعیین می‌شوند.

تبصره ۳: استفاده از امتیاز بومی در رشته‌های استانی، ناحیه‌ای و قطبی، خاص داوطلبانی است که سه سال آخر دوره تحصیلات متوسطه خود را در همان استان، ناحیه و یا قطب گذرانده باشند. در صورت نداشتن شرط مذکور، استان محل تولد ملاک عمل خواهد بود.

تبصره ۴: ۲۰ درصد ظرفیت آزاد رشته‌های استانی، ناحیه‌ای و قطبی طوری بین محل‌های مختلف تقسیم می‌شود که حتی‌الامکان توزیع نامناسب ظرفیت رشته‌ها در سطح کشور تعدیل یا جبران شود.

تبصره ۵: ۴۰ درصد ظرفیت سهمیه قانونی رزمندگان و جانبازان در چهارچوب آیین‌نامه اجرایی مربوط در رشته‌های استانی، ناحیه‌ای و یا قطبی به رزمندگان و جانبازان بومی استان، ناحیه و یا قطب ذیربط و در رشته‌های کشوری بر اساس نمرات قطبی آنان اختصاص داده می‌شود و گزینش انجام می‌گیرد.

شایسته است که در جهت تقویت امکانات آموزش و پرورش و توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان‌های محروم کشور طوری برنامه‌ریزی شود که انشاء... در آینده نیازی به سهمیه‌بندی نباشد. این طرح به صورت آزمایشی درباره داوطلبان شرکت‌کننده در آزمون سراسری سال گذشته اجراء شده است. جدول مهارت دانشجویی استانی (جدول شماره ۳ ضمیمه) درصد متوسط بومی استان را در ۶۷ درصد نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴ ضمیمه: تعداد و درصد پذیرفته شدگان را در سه روش گزینش (واقعی سال گذشته، آزاد و طرح جدید) در سهمیه‌ها و گروه‌های آزمایشی مختلف مشخص می‌سازد.

جدول شماره ۵: وضعیت کیفی (میانگین نمرات کل) پذیرفته‌شدگان را در هر یک از روش‌های فوق‌الذکر مشخص می‌سازد، به‌طوریکه میانگین کل در طرح جدید برابر ۶۳۰۵، در سال گذشته برابر ۶۱۴۸ و در روش گزینش آزاد برابر ۶۴۶۹ می‌باشد.

جدول شماره ۶: تعداد و درصد شرکت‌کنندگان را به تفکیک گروه‌های آزمایشی و سهمیه‌ها در گزینش‌های سه‌گانه مشخص می‌سازد.

ضمناً درصد نسبت پذیرفته‌شدگان به شرکت‌کنندگان در گزینش‌های سه‌گانه فوق در سهمیه‌های مختلف به قرار جدول زیر است:

گزینش سهمیه	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	رزمندگان وجانبازان	درصد کل
آزاد فرعی	۱۸٪	۱۰٪	۴٪	۲٪	۱۲٪
واقعی سال گذشته (۶۸-۶۹)	۱۰٪	۸٪	۶٪	۳۰٪	۱۲٪
طرح جدید	۱۱٪	۷٪	۵٪	۲۸٪	۱۱٪

اما آن چه امروزه از گزینش بومی برداشت می‌شود نتیجه‌ی قانونی است که در سال ۱۳۸۷ به دستور رییس جمهور وقت و رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی به نهادهای ذی‌ربط ابلاغ شد. طبق این قانون سازمان سنجش آموزش کشور موظف شد تا براساس گسترش رشته‌های آموزش عالی و با هماهنگی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حداقل ۶۵ درصد حجم پذیرش دانشجو در دوره‌های روزانه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی را به صورت بومی استانی انجام دهد. همچنین در قانون تصریح شد که دانشگاه آزاد اسلامی موظف است با هماهنگی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حداقل ۷۰ درصد حجم پذیرش دانشجو در کلیه رشته‌ها (اعم از پزشکی و غیرپزشکی) را به صورت بومی استانی انجام دهد.

در نتیجه‌ی وضع این قانون و بر اساس آمار سازمان سنجش برای سال تحصیلی ۱۳۸۷ به میزان ۶۲/۷ درصد از داوطلبان کنکور در آزمون سراسری کشور در استانهای خویش پذیرفته شدند. و هنگامی که به آمار استان‌های دارای گروه‌های زبانی و خرده فرهنگ‌ها دقت شود آمار حکایت از پذیرش بین ۶۰ تا ۹۵ درصد از داوطلبان این مناطق در استان‌های محل اخذ دیپلم خویش دارد که بیشترین رقم با ۹۴/۵ درصد به استان سیستان و بلوچستان مربوط می‌شود.

اما در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ این قانون با تغییرات اندکی مواجه شد. در این آزمون ابتدا گزینش آزاد صورت گرفت به این معنی که در کلیه کد رشته‌محل‌ها، انتخاب‌کنندگان بدون توجه به سهمیه و گزینش بومی، صرفاً براساس نمره مرتب شده و نمره آخرین نفر پذیرفته شده هرکد رشته محل که صرفاً براساس ظرفیت آن کد رشته محل تعیین می‌شود، نمره گزینش آزاد نامیده می‌شود.

پس از محاسبه گزینش‌های آزاد سهمیه‌های منطقه یک، دو، سه و خانواده شهداء در کد رشته محل‌هایی که داوطلب، بومی آن کد رشته‌هاست اعمال شدند؛ در واقع داوطلب دارای سهمیه منطقه سه اگر در کد رشته‌ای بومی محسوب نشود،

در قسمت آزاد گزینش خواهد شد و در سهمیه منطقه سه گزینش نمی‌شود. برای روشن‌تر شدن مطلب، به این مثال توجه نمایید:

فرض کنید که داوطلبی، بومی استان یزد بوده و دارای سهمیه منطقه سه در گروه آزمایشی علوم ریاضی- و فنی است. چنانچه این داوطلب متقاضی رشته مهندسی معماری در دانشگاه‌های یزد، اصفهان یا چهارمحال- بختیاری باشد، با توجه به اینکه نوع گزینش بومی رشته مذکور ناحیه‌ای است، بومی این استان‌ها محسوب می‌شود و در بین داوطلبان هم سهمیه خود یعنی منطقه سه گزینش خواهد شد؛ اما اگر این داوطلب، متقاضی رشته مهندسی معماری دانشگاه تهران یا زنجان یا زاهدان باشد، از آنجا که بومی (هم ناحیه ای) این استانها نیست، در سهمیه آزاد به رقابت با سایر داوطلبان خواهد پرداخت.

در این قانون مقرر شد تا ۴۰ درصد ظرفیت هریک از کد رشته‌های دوره روزانه ۹ استان محروم شامل استان‌های ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و هرمزگان به داوطلبان بومی خود استان‌های فوق اختصاص یابد. همچنین بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و به منظور تأمین نیروی متخصص استان‌های نامبرده در رشته‌های مورد نیاز برحسب نظر استانداری‌های این استان‌ها و به تعداد ۵۰۰ نفر به نسبت شانس قبولی هر یک از استان‌ها در دانشگاه‌ها تقسیم می‌شوند.

نحوه گزینش بومی دانشجو در این قانون بر این اساس است که در دوره روزانه با توجه به ماهیت رشته‌ها و درصد پوشش آن در استان‌های مختلف، گزینش بومی از نوع بومی استانی، بومی ناحیه‌ای و بومی قطبی ارائه شود. اما چنانچه رشته‌ای در تعداد معدودی دانشگاه ارائه شود، گزینش بومی بر آن اعمال نمی‌شود و نوع گزینش آن کشوری است.

دسته بندی رشته های تحصیلی بر حسب گزینش بومی به رشته‌های استانی، ناحیه‌ای و قطبی تقسیم شد که پیش از این تعاریف و جداول مربوط ارائه شده‌اند. دسته‌بندی نواحی بومی کشور بر اساس قانون سال ۱۳۹۴ در جدول زیر آورده شده است:

دسته بندی نواحی بومی کشور

استان های تابعه	نواحی بومی
تهران - زنجان - سمنان - قزوین - قم - مرکزی - البرز	۱ ناحیه یک
آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - اردبیل	۲ ناحیه دو
اصفهان - چهارمحال و بختیاری - یزد	۳ ناحیه سه
سیستان و بلوچستان - کرمان	۴ ناحیه چهار
بوشهر - فارس - کهگیلویه و بویراحمد - هرمزگان	۵ ناحیه پنج
کردستان - کرمانشاه - همدان	۶ ناحیه شش
ایلام - خوزستان - لرستان	۷ ناحیه هفت
خراسان رضوی - خراسان شمالی - خراسان جنوبی	۸ ناحیه هشت
گلستان - گیلان - مازندران	۹ ناحیه نه

تغییر بومی‌گزینی در سه رشته پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی نیز در همین سال دیده شد که طبق قانون اصلاح بند(۳) ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی مصوب مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ مجلس شورای اسلامی، در رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی که ۳۰ درصد ظرفیت به داوطلبان استان‌های محروم اختصاص داده شده است لذا پذیرش در این قبیل کد رشته محل‌ها به صورت ۱۰۰ درصد بومی استانی صورت می‌گیرد. نوع گزینش در سایر کدرشته محل‌های این رشته‌ها کشوری بوده و برخلاف سال‌های قبل هیچ گزینش بومی بر آن اعمال نمی‌شود.

رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و پرستاری در آزمون سراسری سال ۱۳۹۴ بصورت ۵۰ درصد مرد و ۵۰ درصد زن پذیرش می‌کنند. (به غیر از کد رشته‌هایی که صرفاً از یک جنس پذیرش می‌کنند)

جداول و نمودارهایی که در ادامه آورده شده، دامنه تغییرات جمعیت دانشجویی را در چهار دانشگاه منتخب از مجموع دانشگاه‌های سراسری کشور پس از اعمال سیاست‌های بومی‌گزینی نشان می‌دهد که این دانشگاه‌ها عبارتند از:

- دانشگاه صنعتی شریف
- دانشگاه تهران

- دانشگاه کردستان
- دانشگاه سیستان و بلوچستان (زاهدان)

لازم به ذکر است چهار دانشگاه فوق از میان مجموع دانشگاه‌های سراسری موجود بر اساس دو شاخص دانشگاه‌های برتر و همچنین تنوع قومی در اقلیم مورد نظر انتخاب شده‌اند، زیرا همان‌گونه که در ادامه توضیح داده خواهد شد این دو دسته از دانشگاه‌ها بیش از سایر دانشگاه‌ها از سیاست‌های بومی‌گزینی تاثیر پذیرفته‌اند.

جداول زیر نشان می‌دهند که در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ جمعیت دانشجویی پذیرش‌شده در هر کدام از چهار دانشگاه منتخب از کدام استان‌ها بوده‌اند. این استان‌ها بر اساس، استان محل سکونت دانشجویان گزارش شده‌اند. نگاهی مقایسه‌ای به آمار گزارش‌شده در این جداول نشان می‌دهد که سیاست‌های بومی‌گزینی تا چه اندازه موازنه‌ی جمعیتی هر دانشگاه را به سمت دانشجویانی که از سهمیه‌ی بومی استفاده می‌کنند تغییر داده است.

جدول ۱. مقایسه جمعیت دانشجویی پذیرش شده بر اساس استان محل سکونت در میان چهار استان منتخب برای سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

دانشگاه استان	دانشگاه تهران	دانشگاه سیستان و بلوچستان	دانشگاه صنعتی شریف	دانشگاه کردستان
اذربایجان شرقی	۲۲	۴	۳۹	۱۰
اذربایجان غربی	۱۳	۲	۱۲	۱۰۲
اردبیل	۸		۲	۶
اصفهان	۷۱	۲۶	۵۵	۳۷
البرز	۱۱۱	۳	۴۲	۲۲
ایلام	۱		۱	۴۷
بوشهر	۶	۹	۴	۸
تهران	۱۲۸۱	۲۹	۴۵۶	۵۰
چهارمحال و بختیاری	۱۸	۱	۱۲	۷
خراسان جنوبی	۱۶	۱۰۰	۹	۱
خراسان رضوی	۵۷	۹۷	۵۴	۱۵
خراسان شمالی	۸	۱۳	۹	۲
خوزستان	۱۹	۸	۱۶	۶۰
زنجان	۳۳	۱	۶	۵
سمنان	۲۱	۱	۱۳	۱
سیستان و بلوچستان	۲	۷۷۰	۳	۱۰
فارس	۴۳	۱۲۸	۳۳	۵۵
قزوین	۴۹	۲	۲۶	۶
قم	۵۴	۱	۶	۷
کردستان	۲۴	۲	۹	۱۸۰۵
کرمان	۴۰	۳۰۷	۲۲	۹
کرمانشاه	۲۵	۵	۳	۳۶۱
کهگیلویه و بویراحمد	۹	۱۸	۲	۱۵
گلستان	۱۶	۱۳	۱۰	
گیلان	۲۵	۱	۹	۱۴
لرستان	۲۰	۲	۶	۳۱
مازندران	۶۴	۳	۵۰	۶
مرکزی	۵۸		۱۰	۸
هرمزگان	۳	۳۴		۷
همدان	۲۲		۱۳	۹۲
یزد	۴۹	۹	۲۱	۳

جدول ۲. مقایسه جمعیت دانشجویی پذیرش شده بر اساس استان محل سکونت در میان چهار استان منتخب برای سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

استان	دانشگاه تهران	دانشگاه سیستان و بلوچستان	دانشگاه صنعتی شریف	دانشگاه کردستان
اذربایجان شرقی	۴۱	۲	۳۴	۸
اذربایجان غربی	۲۳	۵	۱۱	۷۶
اردبیل	۱۰		۵	۲
اصفهان	۷۳	۱۹	۴۹	۲۹
البرز	۱۱۷	۳	۳۸	۱۷
ایلام	۶	۱	۱	۴۰
بوشهر	۷	۸	۲	۸
تهران	۱۳۴۷	۲۵	۴۶۳	۴۸
چهارمحال و بختیاری	۱۱	۳	۱۵	۶
خراسان جنوبی	۱۰	۱۲۹	۹	
خراسان رضوی	۵۵	۸۰	۶۱	۱۱
خراسان شمالی	۵	۵	۱۱	
خوزستان	۲۶	۱۰	۱۸	۲۲
زنجان	۲۹	۱	۱۲	۶
سمنان	۲۴	۱	۴	
سیستان و بلوچستان	۶	۹۶۸	۱	۲
فارس	۳۷	۱۰۳	۲۵	۲۵
قزوین	۵۱		۲۰	۴
قم	۵۵	۲	۱۵	۲
کردستان	۲۹	۵	۶	۱۳۲۴
کرمان	۳۱	۲۵۰	۲۰	۲
کرمانشاه	۲۲	۱	۶	۱۷۹
کهگیلویه و بویراحمد	۷	۱۴	۱	۴
گلستان	۱۸	۱۴	۶	۲
گیلان	۲۶	۵	۱۳	۵
لرستان	۱۴	۴	۶	۱۹
مازندران	۵۴	۲	۴۹	۹
مرکزی	۵۲	۲	۱۲	۴
هرمزگان	۵	۴۷	۵	۵
همدان	۳۳		۱۳	۴۴
یزد	۵۶	۱۲	۲۵	۴

جدول ۳. مقایسه جمعیت دانشجویی پذیرش شده بر اساس استان محل سکونت در میان چهار استان منتخب برای سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲

دانشگاه استان	دانشگاه تهران	دانشگاه سیستان و بلوچستان	دانشگاه صنعتی شریف	دانشگاه کردستان
اذربایجان شرقی	۴۰	۲	۳۰	۴
اذربایجان غربی	۳۳	۲	۱۸	۷۴
اردبیل	۱۱	۱	۲	
اصفهان	۱۰۶	۲۲	۴۰	۱۹
البرز	۱۴۴	۳	۴۸	۱۱
ایلام	۶	۱		۱۹
بوشهر	۸	۱۰	۲	۳
تهران	۱۷۶۴	۲۸	۴۶۰	۳۸
چهارمحال و بختیاری	۱۱	۴	۱۰	۲
خراسان جنوبی	۱۱	۱۷۲	۹	۱
خراسان رضوی	۷۸	۷۹	۴۷	۸
خراسان شمالی	۱۵	۶	۱۲	
خوزستان	۳۴	۴	۱۳	۱۶
زنجان	۳۰	۱	۱۱	۵
سمنان	۲۸	۱	۷	۱
سیستان و بلوچستان	۵	۱۰۱۱	۲	۲
فارس	۵۷	۱۰۹	۳۳	۲۱
قزوین	۵۰	۱	۲۶	۳
قم	۶۸	۱	۱۶	۲
کردستان	۳۹	۵	۳	۱۲۶۱
کرمان	۴۱	۳۷۰	۱۹	۴
کرمانشاه	۲۲	۱	۷	۱۵۵
کهگیلویه و بویراحمد	۸	۷	۱	۳
گلستان	۲۲	۸	۴	۲
گیلان	۲۷	۲	۱۳	۵
لرستان	۲۰	۲	۸	۱۵
مازندران	۷۷	۶	۵۱	۴
مرکزی	۶۹		۱۰	۵
هرمزگان	۱۲	۵۵	۵	۶
همدان	۳۱	۱	۱۰	۴۴
یزد	۵۷	۲	۲۸	۶

جدول ۴. مقایسه جمعیت دانشجویی پذیرش شده بر اساس استان محل سکونت در میان چهار استان منتخب برای سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳

دانشگاه استان	دانشگاه تهران	دانشگاه سیستان و بلوچستان	دانشگاه صنعتی شریف	دانشگاه کردستان
اذربایجان شرقی	۳۶	۲	۴۹	۳
اذربایجان غربی	۲۴	۱	۲۰	۶۷
اردبیل	۲۲		۶	۱
اصفهان	۱۱۷	۲۴	۵۸	۱۰
البرز	۱۶۰	۵	۵۲	۹
ایلام	۶	۱	۶	۱۴
بوشهر	۸	۱۰	۵	۱
تهران	۱۵۰۷	۲۸	۴۸۳	۳۴
چهارمحال و بختیاری	۲۰	۴	۱۱	۲
خراسان جنوبی	۲۲	۱۴۴	۱۵	
خراسان رضوی	۷۹	۷۳	۵۲	۶
خراسان شمالی	۱۶	۷	۱۰	۱
خوزستان	۳۰	۱۳	۲۰	۱۳
زنجان	۲۷	۲	۱۲	۳
سمنان	۳۸		۱۰	
سیستان و بلوچستان	۱۰	۹۶۵	۵	
فارس	۴۹	۹۰	۴۱	۸
قزوین	۵۴	۱	۲۱	۶
قم	۸۵	۱	۱۸	۴
کردستان	۴۸	۳	۱۱	۹۲۰
کرمان	۵۲	۲۸۴	۲۸	۴
کرمانشاه	۳۵	۶	۱۱	۱۰۴
کهگیلویه و بویراحمد	۶	۶	۱	۱
گلستان	۳۲	۱۱	۱۰	۱
گیلان	۴۲	۵	۱۴	۷
لرستان	۱۹	۵	۹	۶
مازندران	۷۳	۳	۵۵	۱
مرکزی	۶۹	۱	۱۶	۶
هرمزگان	۹	۵۷	۶	۱
همدان	۴۶	۴	۱۵	۴۱
یزد	۶۰	۸	۱۷	۲

مروری بر برخی پژوهش‌های مرتبط

آن‌چه طی این سال‌ها تحت عنوان بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان رخ داد موافقان و مخالفان زیادی داشت که هریک دلایل قابل توجهی بر مدعای خود داشتند. از این رو برخی پژوهش‌ها با محور قرار دادن این موضوع به نقاط ضعف و قوت سیاست بومی‌گزینی پرداخته‌اند. اما آن‌چه بیش از همه به نام سیاست بومی‌گزینی شناخته می‌شود مسیری است که از سال ۱۳۸۷ مورد توجه قرار گرفت و نرخ پذیرش بومی استان‌ها را به حد قابل توجهی افزایش داد. لذا پیش از ورود به تحلیل و نتیجه‌گیری سیاست‌های بومی‌گزینی تعدادی از پژوهش‌های این حوزه را در ادامه از نظر خواهد گذشت:

تحلیل سیاست پژوهانه قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و

مراکز آموزش عالی کشور (قلی‌پور، وثوقی نیری ۱۳۹۳) به بررسی تحلیلی سیاست‌های پذیرش دانشجو در ایران پرداخته است. محققان در این پژوهش معتقد هستند از آن‌جا که دانایی، نیروی محرکه رشد و ایجاد ثروت در دنیای امروز است و بیش از عوامل سنتی، نظیر کار و سرمایه، در توسعه ملی نقش دارد، آموزش عالی به عنوان نهادی کلیدی، مورد توجه خاص ملت‌ها و دولت‌ها است. در ایران گزینش دانشجو و نحوه انتخاب دانشجویانی که بتوانند در آینده چرخ‌های عظیم پیشرفت و ترقی جامعه را بگردانند، مسأله حائز اهمیتی است. در این مقاله قانون سنجش و پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی کشور به روش سیاست تطبیقی پویا و رویه‌های پنج‌گانه که از روش‌های کیفی هستند، تحلیل شده‌اند. برابر نتایج تحلیل، ایجاد ظرفیت لازم با توجه به آمایش سرزمینی (تنوع، توزیع و تعداد)، ارتقاء کیفیت و کمیت متوازن آموزشی و پژوهشی، توسعه و رشد متوازن کمی و کیفی علوم و پژوهش‌ها، هم‌سو ساختن سیاست‌های توسعه صنعتی و اقتصادی با سیاست‌های ملی نوآوری، فناوری و علم، افزایش سهم نوآوری‌های مبتنی بر فناوری در تولید ناخالص داخلی، تعامل سازنده با مراکز پیشرفته علمی و فناوری جهان، توسعه علم، فناوری و نوآوری با هدف افزایش اقتدار ملی، تأمین منابع مالی لازم، توسعه شرکت‌های دانش بنیان و ایجاد زمینه اشتغال از ارکان اصلی توسعه آموزش عالی

پیشرفت‌محور به حساب می‌آیند که در قوانین پذیرش دانشجو به این عوامل توجه نشده است. با توجه به نتایج تحلیل، فقدان ظرفیت کافی در نظام پذیرش دانشجو برای سنجش دانش و توانایی حقیقی داوطلبان و سازمان‌دهی آنان در رشته‌های تحصیلی مرتبط، ابعاد ناقصی است که می‌تواند نتیجه‌ی روش آزمون فعلی باشد.

با توجه به همه‌ی این کاستی‌ها می‌توان از مهم‌ترین دلایلی که عامل شده تا سیاست‌های تدوینی و تصویری در حوزه پذیرش دانشجو نتواند نظامی جامعه برای این حوزه تعریف کند، ناقص بودن فرآیند سیاست‌گذاری دانست. به این معنا که در فرایند قانون‌گذاری مسئله به درستی شناسایی نشده است. از این رو بدیهی است زمانی که تشخیص مسئله به درستی صورت نگیرد آن‌گاه راه‌حل‌های انتخابی با مسئله سازگاری نخواهد داشت و در نتیجه مسئله‌ای حل نخواهد شد.

مهرعلی‌زاده، معماری و الهام‌پور حسین (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان آسیب‌شناسی سیاست بومی‌گزینی کنکور. (تحلیل محتوای سایت‌های

اینترنتی و رسانه‌های عمومی کشور) به بررسی ابعاد آسیب‌های طرح بومی‌گزینی با محور قرار دادن دو نظریه سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند روش تحقیق مورد استفاده روش تحلیل محتوای سایت‌های اینترنتی کشور با رویکرد کیفی بوده است. در این رابطه منابع و سایت‌های خبررسانی وابسته به طیف‌ها و جناح‌های سیاسی، علمی و فرهنگی کشور در تقسیم‌بندی زیر بررسی شده‌اند:

- دولت، مجلس، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان سنجش کشور
- احزاب مختلف
- سیات شخصیت‌های سیاسی و علمی و فرهنگی
- سایت خبرگزاری‌ها (مانند مهر، ایسنا، فارس، تابناک، الف و غیره)
- روزنامه‌های صبح و عصر چاپ کشوری

متن مصاحبه‌ها، اظهارنظرها، نقدها و گزارش‌ها توسط محققان مشاهده و مطالعه و بر اساس رویکرد تحلیل محتوای کیفی و اشکافی شده است. در این میان سرمایه انسانی به دو مولفه تربیت نیروی کیفی و آموزش نیروی کمی و سرمایه اجتماعی

هم به چهار مولفه عدالت اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، و اعتماد اجتماعی تقسیم شده است. نتایج به‌دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که اهداف طرح مورد نظر یعنی توسعه کمی و متوازن آموزش به تبع رشد همگون کشور در منابع تحت بررسی مورد انتقاد است. در این زمینه در نظر نگرفتن استعداد های افراد و محصور شدن دانشجویان در فضای تنگ بومی به‌عنوان آسیب‌های اصلی طرح عنوان شده‌اند. علاوه بر آن، چنین طرحی به چهار مقوله اصلی سرمایه اجتماعی (عدالت اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، و اعتماد اجتماعی) نیز بی توجه بوده است.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای منابع می‌توان نظرات موافقان و مخالفان طرح را در گزینه‌های زیر خلاصه نمود:

موافقین سیاست بومی‌گزینی معتقدند نتایج زیر را می‌توان از اجرای این طرح

انتظار داشت و به دست آورد:

- تمرکززدایی در منابع
- افزایش عدالت اجتماعی
- جلوگیری از مهاجرت (هر سال دانشگاه‌های تهران اکثریت باهوش را جمع می‌کنند در حالی که این افراد می‌توانند در منطقه خود باشند. بسیاری از داوطلبانی که به تهران آمده‌اند حاضر به بازگشت نیستند و در نتیجه این به توزیع نامتوازن افراد تحصیل کرده در سراسر کشور منجر می‌شود)
- ارتقاء ارزش افزوده در مناطق کشور
- کاهش هزینه رفت و آمد خانواده‌ها
- کاهش آسیب‌های فرهنگی و اخلاقی دختران و پسران دانشجو

اما **مخالفین** این طرح آسیب‌های زیر را نتیجه‌ی اجرای سیاست‌های

بومی‌گزینی دانشجو می‌دانند:

- عدم رعایت عدالت آموزشی و اجتماعی (یعنی حذف شهرستان‌ها از دسترسی به دانشگاه‌های تهران و سخت کردن رقابت شهرستانی‌ها در رسیدن به دانشگاه‌های تهران که این کاملاً به نفع دانش‌آموزان پرامکانات تهرانی است)

• توجه به کارکردهای سیاسی تا علمی طرح (دانشجویان شهرستانی در امور سیاسی فعال‌تر عمل می‌کنند و این برای محدود کردن حضور آن‌ها در دانشگاه‌های تهران که کانون فعالیت‌های سیاسی است اتخاذ شده است. هم‌چنین کم‌رنگ ساختن جنبش‌های زنان به دلیل کمیت بالاتر آنان در آموزش عالی)

• کاهش همبستگی اجتماعی و ملی اقوام ایرانی

• مسائل اقتصادی دولت (مانند تامین خوابگاه برای دانشجویان)

• کاهش کیفیت علمی دانشگاه‌ها (به گفته رییس دانشگاه صنعتی شریف قبولی ۱۵ نفر با رتبه بالاتر از ۳ هزار، ۶ نفر بالاتر از ۱۰ هزار و ۱ نفر بالاتر از ۱۶ هزار، آن هم در رشته برق دانشگاه صنعتی شریف پرحاشیه‌ترین موضوع تاریخ کنکور ایران شد)

• نگاه جنسیتی و زمینه‌سازی بی‌عدالتی آموزشی

• زمینه‌سازی برای از هم‌گسیختگی اجتماعی

• تضعیف برخورد عقاید که زمینه‌ساز توافق بین اقوام و گروه‌های مختلف است

• دیوار کشیدن بین اقوام و نژادهای مختلف

• کاهش ارتباطات

• کاهش مشارکت دختران و به مخاطره انداختن استقلال آنان

عالی‌شوندی (۱۳۹۰) پژوهش **بررسی سیاست پذیرش دانشجوی بومی از**

منظر دانشجویان و مدیران آموزش عالی را با هدف بررسی سیاست‌های پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاه‌های ایران انجام داده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل دو گروه از مدیران ارشد آموزش عالی و دانشجویان ورودی سال ۱۳۸۸ در چهار دانشگاه الزهراء، شیراز، هرمزگان و مازندران بوده‌اند. نمونه‌ی آماری دانشجویان با حجم ۲۱۵ نفر با استفاده از فرمول کوکران و به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب و با استفاده از پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ی داده‌ها، جمع‌آوری شدند. علاوه بر آن با ۶ نفر از مدیران ارشد آموزش‌عالی کشور که به صورت هدفمند انتخاب شدند مصاحبه‌ای انجام شده که در آن از مصاحبه‌ی نیمه

ساختاریافته استفاده شده و به بررسی ابعاد مختلف سیاست پذیرش دانشجوی بومی پرداخته شده است. ضمناً برای بررسی وضعیت موجود دانشجویان بومی در دانشگاه‌های کشور از آمار، اسناد و مدارک موجود در سازمان سنجش و آموزش کشور نیز استفاده شده است. همچنین پژوهشگر برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی، از آمار توصیفی و استنباطی و برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی (مصاحبه)، از تجزیه و تحلیل استقرایی بهره برده است.

اما از بعد تحلیلی و از منظر عرضه کنندگان (مدیران ارشد آموزش عالی) و متقاضیان آموزش عالی (دانشجویان) این نوع سیاست پذیرش مانعی برای تبادل فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها محسوب می‌شود که ممکن است منجر به شناخت کمتر اقوام از یکدیگر شده و این امر تا حدودی باعث کاهش انسجام و همبستگی ملی خواهد شد. همچنین در این تحقیق نشان داده شده است علی‌رغم اینکه مدیران آموزش عالی فکر می‌کنند که پذیرش دانشجوی بومی در دانشگاه‌ها منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان می‌شود ولی دانشجویان چنین نظری ندارند. اگر چه هر دو گروه از دانشجویان و مدیران آموزش عالی فکر می‌کنند که این سیاست منجر به حل مشکل خوابگاه و کاهش هزینه‌های اقامتی و معیشتی دانشجویان و خانواده‌ها می‌شود، اما دانشجویان بر این باورند که بومی‌گزینی شانس به‌دست آوردن شغل مناسب برای دانشجو را در حد متوسطی مهیا می‌کند. همچنین مدیران و دانشجویان تاکید داشتند که روش بومی‌گزینی به دلیل توزیع افراد نخبه در کشور باعث ارتقاء و همسانی کیفیت دانشگاه‌ها و جذب هیئت علمی قوی و افزایش سطح علمی دانشجویان می‌شود. به علاوه عقیده‌ی دانشجویان و مدیران در این مورد که با اتخاذ سیاست بومی‌گزینی برای همه‌ی اقشار جامعه به منظور رسیدن به آموزش عالی، امکان برابر و یکسانی بوجود می‌آید، مخالف یکدیگر است. دانشجویان معتقد هستند که این روش موجب عدالت در پذیرش دانشجو نمی‌شود اما مدیران آموزش عالی کشور معتقد هستند که با این روش به عدالت آموزشی دست خواهیم یافت.

بررسی تفاوت عملکرد آموزش، ارزش‌ها، نگرش‌ها و آسیب‌های دانشجویان تهرانی (بومی) در مقایسه با دانشجویان غیرتهرانی ساکن در خوابگاه‌ها (غیربومی) (مرجائی ۱۳۹۰) عنوان طرحی است که به تحلیل داده‌های پایه پیمایش‌های انجام شده در دانشگاه‌های تهران پرداخته است. که عناوین این طرح‌ها عبارتند از:

- طرح شیوع‌شناسی مصرف مواد مخدر (۱۳۸۳)
- پیمایش نگرش‌ها و رفتارهای دانشجویان (۱۳۸۲)
- طرح احیاء امر به معروف در بین دانشجویان (۱۳۷۸)
- طرح بررسی میزان دین‌گرایی در بین دانشجویان (۱۳۷۹)
- طرح بررسی خودآدری بخشی دانشگاهی (۱۳۷۸)
- طرح بررسی سرمایه اجتماعی دانشجویان (۱۳۸۳)
- طرح بررسی خودآدری بخشی شغلی دانشجویان (۱۳۸۴)

نتایج حاصل از مقایسه یافته‌های این طرح‌ها در حوزه‌ی دانشجویان بومی و غیر بومی نتایج ذیل را به همراه داشته است که عبارتند از:

در خصوص شاخص‌های مربوط به وضعیت تحصیلات و توانمندی‌های علمی

دانشجویان بومی و غیر بومی، معدل دانشجویان غیربومی بیش از دانشجویان بومی است. دانشجویان غیر بومی به لحاظ تعداد برادران و خواهران تحصیل کرده از دانشجویان بومی بیشتر هستند. رضایت از رشته‌ی تحصیلی در دانشجویان بومی بیش از دانشجویان غیربومی است. جامعه‌پذیری دانشجویان غیربومی بیشتر از دانشجویان بومی است. شاخص خودآدری بخشی دانشگاهی که بر ارزیابی شخصی دانشجویان از توانمندی‌های خود اطلاق می‌شود در دانشجویان غیربومی بیش از دانشجویان بومی است و تفاوت معناداری در این حوزه دیده می‌شود. در مقیاس‌های تعامل استاد و دانشجو، ارتباط دانشجو و ساختار دانشکده، نظارت حرفه‌ای استاد و برداشت دانشجویان از عملکرد اساتید و ارزیابی از وضعیت علمی دانشجویان بومی وضعیت مطلوب‌تری را گزارش کرده‌اند.

دانشجویان غیر بومی در هفت صفت زیر وضعیت بهتری را از دانشجویان بومی گزارش می‌کنند:

۱. معدل بالا در دانشگاه
 ۲. دارای برادران و خواهران دانشگاهی بیشتر
 ۳. دارای انگیزه ادامه تحصیل حتی در خارج از کشور
 ۴. دارای انگیزه بالا برای حضور در دانشگاه‌های درجه یک کشور
 ۵. تجربه تحصیل در دانشگاه‌های دیگر
 ۶. مشارکت در پروژه‌های تحقیقاتی مرتبط با رشته تحصیلی
 ۷. خوداثربخشی دانشگاهی بالا
- اما مهمترین ضعف اولویت قبول شدن در دانشگاه‌های تهران در مقابل رضایت از رشته تحصیلی و اهمیت رشته تحصیلی برای دانشجویان غیر بومی است که می‌تواند در آینده‌ی شغلی آنان نیز اثرگذار باشد.

در خصوص وضعیت اشتغال و نگرش‌های اقتصادی دانشجویان بومی و

غیربومی نتایج حاصل از مقایسه توانایی‌های زیر را برای دانشجویان غیر بومی نشان می‌دهد:

۱. اشتغال در مشاغلی که بیشتر با رشته تحصیلی آنان ارتباط دارد
 ۲. کسب درآمد بالاتر
 ۳. ارزیابی بالاتری از مهارت و تخصص خود
 ۴. خوداثربخشی در جمع‌آوری اطلاعات شغلی
 ۵. خوداثربخشی در انتخاب اهداف شغلی
 ۶. خوداثربخشی در برنامه‌ریزی شغلی برای آینده
 ۷. خوداثربخشی در حل مسائل شغلی از مسیر پیگیری عملی
- اگرچه هم‌چنان در در یافتن شغل و شاغل شدن ناتوانی دارند و این از نقاط ضعف این مقایسه محسوب می‌شود.

مقایسه شاخص‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی دانشجویان بومی و غیر

بومی نشان می‌دهد دانشجویان غیر بومی از سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری برخوردارند، تعداد برادران و خواهران دانشگاهی بیشتری دارند.

میزان بالاتر مطالعه مطبوعات، اعتماد اجتماعی بیشتر، اعتماد بیشتر به رسانه‌ها، پایبندی به ارزش‌های اجتماعی در سطح دانشجویان ارشد و دکتری، شرکت در گپ و گفتگوهای دوستانه و دانشگاهی، شرکت در سخنرانی‌های علمی و سیاسی و اجتماعی، رفتن به پارک‌ها و مراکز تفریحی و گوش دادن به رادیو، از جمله مزایای دیگری است که در دانشجویان غیر بومی سطح بالاتری را نشان می‌دهد.

نتایج این مقایسه نشان می‌دهد یکی از مهمترین ضعف‌های طرح بومی‌گزینی عدم توجه به امکانات فرهنگی در محیط‌های شهری کوچک در ایران است. در همین راستا نتایج تحقیقات نشان می‌دهد دانشجویان غیربومی به رغم حضور در شهر بزرگی مانند تهران در مقایسه با دانشجویان بومی کمتر از سرمایه فرهنگی برخوردارند.

مقایسه وضعیت اعتقادات دینی دانشجویان بومی و غیر بومی نشان

می‌دهد شاخص‌هایی مانند شرکت در مناسک دینی، احساس مذهبی بودن خانواده، شکل‌گیری باورها و اعتقادات دینی تحت تاثیر جریان نوگرایی دینی، مشارکت در نهادهای دانشگاهی، تاثیر تشکلهای دانشجویی، تجربیات شخصی دینی، مطبوعات سنتی اصول‌گرا، شخصیت‌های علمی، دینی در شکل‌گیری باورهای مذهبی، اقدام به امر به معروف به دیگران و پذیرش امر به معروف دیگران در دانشجویان غیر بومی نرخ بالاتری را به خود اختصاص داده است.

اما از سوی دیگر دانشجویان غیربومی نیروی محرکه جریان‌های افراطی (اصلاح‌طلب و اصول‌گرا) در دانشگاه هستند. در این مساله زنان غیربومی بیش از زنان بومی تحت تاثیر هستند. همچنین دانشجویان غیربومی کمتر از دانشجویان بومی به انجام واجبات دینی مشغول هستند.

مقایسه شاخص‌های مربوط به نگرش دانشجویان بومی و غیر بومی به

مسائل مهم دانشگاه و جامعه نشان می‌دهد دانشجویان غیر بومی با فعالیت

سیاسی و اظهار عقیده آزادانه در دانشگاه موافق هستند. آن‌ها به دانشجو بودن خود افتخار کرده، گرایش بیشتری به زیبایی داشته و دارای وقت فراغت بیشتر هستند. از سوی دیگر دانشجویان غیر بومی که اکثراً از شهرستان‌های دیگر آمده‌اند با دانشجویان بومی در برخی حوزه‌های اجتماعی اختلاف‌نظر دارند. این اختلاف‌نظر گاه به دلیل نفوذ برخی جریان‌های تندرو قابل تحلیل است مانند:

- موافق با کنترل دانشجو
- موافق ممنوعیت زنان برای شرکت در ورزش‌های خشن
- مخالف شرکت تعداد بیشتری از زنان در عرصه سیاست
- مخالف بیشتر بودن درآمد زن از مرد
- موافق با گسترش مالکیت دولتی
- مخالفت با مشارکت زنان در کلیه رشته‌های ورزشی

وضعیت آسیب‌ها و مصرف مواد مخدر در بین دانشجویان بومی و غیر

بومی حاکی از آن است که توزیع و مصرف مواد مخدر (عمومی شدن و دسترسی آسان به مواد مخدر)، تجربه سیگار کشیدن و مصرف مواد مخدر، تماشای فیلم‌های مستهجن، مصرف تفریحی الکل به‌ویژه در بین دانشجویان غیربومی که تحت کنترل والدین نیستند نرخ بالاتری را نشان می‌دهد.

بررسی آسیب‌شناسی سیاست بومی‌گزینی در آزمون سراسری مراکز آموزش عالی دولتی ایران (رجبی معماری ۱۳۸۸) عنوان دیگری است که به آن خواهیم پرداخت. محقق در این پژوهش معتقد است که در اوایل سال ۱۳۸۶ طرحی از طرف سازمان سنجش آموزش کشور به نام بومی‌گزینی مطرح شد که در آن دانشگاه‌ها ملزم بودند ۶۵ تا ۷۵ درصد از دانشجویان را از منطقه بومی خود انتخاب کنند و او به دنبال دریافتن آسیب‌های مترتب بر طرح بومی‌گزینی بوده است. در این میان ابتدا به تاثیر طرح بر کمیت و کیفیت آموزش پرداخته شده و سرمایه انسانی به عنوان مقوله مرتبط با کمیت و کیفیت آموزش به دو مولفه تربیت نیروی کیفی و آموزش نیروی کمی و سرمایه اجتماعی به‌عنوان مقوله مرتبط بعد اجتماعی طرح هم به چهار مولفه عدالت اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت

اجتماعی و اعتماد اجتماعی تقسیم شده است. با توجه به نتایج تحقیق متولیان امر آموزش در دولت بیشتر تمرکز خود را بر آموزش نیروی کمی نیروی انسانی معطوف کرده‌اند و توجه به بعد دیگر سرمایه کمتر صورت پذیرفته است. دیگر آن‌که به جز مقوله عدالت اجتماعی دیگر مقوله‌های سرمایه اجتماعی از دید مسئولان امر پنهان مانده است. البته در این میان مهمترین انتقاد از جانب مخالفان طرح در بعد سرمایه‌ی انسانی به تربیت نیروی کیفی و در بعد اجتماعی آن به عدالت اجتماعی است. هر چند عدم توجه به دیگر مقوله‌های سرمایه اجتماعی نیز مورد توجه مخالفان بوده است. مخالفان عدالت دولت را به این سبب که فرصت‌های برابر را فراهم نمی‌کند، مورد انتقاد قرار داده و در مورد تربیت نیروی کیفی هم به این دلیل که نمی‌تواند نیروهای مستعد را در دانشگاه‌ها جذب کند به چالش کشیده‌اند. همچنین دولت به انسجام، مشارکت و اعتماد اجتماعی توجه چندانی نشان نمی‌دهد.

پس از مروری بر پیشینه‌ی سیاست‌گذاری و نیز پژوهشی بومی‌گزینی در ادامه به تبیین شرایط حاکم بر آن، تبعات ناشی از اجرای این طرح و پیشنهادات کاربردی خواهیم پرداخت.

بحث و نتیجه‌گیری

سیاست‌های مشهور به بومی‌گزینی که پیشینه‌ی تاریخی و پژوهشی آن تاکنون از نظر گذشته همواره موافقان و مخالفان زیادی را به‌همراه داشته است. اما واقعیت آن است که موضوع بومی‌گزینی به لحاظ اثرات فزاینده‌ایی که دارد باید از سه منظر ورود دانشجویان به دانشگاه، در درون دانشگاه و اثرات این سیاست در آینده کشور مورد بررسی قرار گیرد. این در حالی است که مفهوم بومی‌گزینی در سیر تاریخی خود و تغییراتی که به لحاظ قانونی دیده است از منظر محتوایی نیز دچار تحولات عدیده بوده است. به طوری که در نگاه اولیه که کشور نخست به پنج منطقه و پس از آن به سه منطقه تقسیم می‌شود و در نهایت به سیاست بومی‌گزینی در سال ۱۳۸۷ می‌رسد برداشت از این مفهوم و نوع سیاست‌های اتخاذی و اجرا شده کاملاً متفاوت و گاه متناقض است. به طوری که نگاه نخست حکایت از آن دارد که مناطق

توسعه‌یافته‌تر موظف می‌شوند قسمتی از سهمیه دانشگاهی خود را به دانش‌آموزان مناطق محروم اختصاص دهند. این در حالی است که بر اساس مفهوم بومی‌گزینی در شکل‌نهایی خود (قانون سال ۱۳۸۷)، و با نگاهی کاملاً متفاوت، هر دانش‌آموز مجبور است در همان منطقه‌ای بماند که در آن مدرسه رفته و امکان تجربه فضاهای بهتر آموزشی بسیار دور از دسترس می‌شود. از این رو سطح مخالفت‌ها از زمان اتخاذ تصمیمات مربوط به سیاست‌های بومی‌گزینی مصوب سال ۱۳۸۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی بالا گرفت و بسیاری را در خصوص توزیع عادلانه آموزش و حفظ کیفیت آموزش عالی در کشور نگران نمود تا جایی که در همان زمان ۱۷۰ عضو هیات علمی بزرگترین دانشگاه صنعتی کشور (دانشگاه صنعتی شریف) نسبت به اعمال طرح بومی‌گزینی در گزینش دانشجویان در کنکور سال ۱۳۸۷ و ادامه آن در سال‌های آینده طی نامه‌ایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ابراز نگرانی کردند. رییس دانشگاه صنعتی شریف عنوان کرد قبولی ۱۵ نفر با رتبه بالاتر از ۳ هزار، ۶ نفر بالاتر از ۱۰ هزار و ۱ نفر بالاتر از ۱۶ هزار، آن هم در رشته برق دانشگاه صنعتی شریف پرحاشیه‌ترین موضوع تاریخ کنکور ایران خواهد بود که نتیجه‌ی سیاست بومی‌گزینی است. او بیان داشت رقابت علمی هنگامی که از سطح ملی به سطح منطقه‌ای تقلیل میابد عنصر رقابت در آن تضعیف شده و منجر به تقلیل سطح علمی پذیرفته‌شدگان می‌شود.

از سویی دیگر برخی دیگر معتقد بودند که استان‌های کمتر توسعه یافته با این سیاست متضرر خواهند شد و داوطلبین این استان‌ها شانس کمتری برای پذیرش در رشته‌های دانشگاه‌های برتر کشور را خواهند داشت. بنابراین با این شرایط استعدادها و سرمایه‌های علمی استان‌های کمتر توسعه‌یافته هدر خواهد رفت. از سوی دیگر وقتی دانشجویان استان‌های کمتر توسعه یافته نتوانند به دانشگاه‌های برتر راه یابند مجبور خواهند بود کلیه مراحل تحصیل خود را در دانشگاه‌های استان خود سپری کنند و به این طریق با فضای تحصیلی سایر دانشگاه‌های کشور آشنا نمی‌شوند و نیز با بازار کار خارج از استان‌های خود آشنا نشده و ظرفیت‌های اشتغال را در سطح کشور نخواهند شناخت.

همچنین عده‌ایی دیگر از کارشناسان معتقد هستند اگرچه این امر (سیاست‌های بومی‌گزینی) می‌تواند برگرفته از سیاستی عدالت‌جویانه باشد، ولی در عمل عدالت‌گرایانه نیست چون کسی که در مناطق محروم تحصیل می‌کند به‌لحاظ سطح علمی پایین‌تر است و این امر باعث می‌شود فرصت‌های شغلی بسیاری از وی گرفته شود. در سطح ملی نیز عدالت ایجاد می‌کند که هر ایرانی با توجه به معیارهای علمی شانس قبولی در هر دانشگاهی در ایران را داشته باشد. در واقع در قوانین اولیه که کشور به سه منطقه تقسیم می‌شد شهرهای برخوردارتر موظف می‌شدند تا سهمیه‌ایی را برای دانش‌آموزان مناطق محروم اختصاص دهند و با این نگاه دسترسی به منابع به شکل متوازن‌تری رخ می‌داد اما در شکل جدید از بومی‌گزینی این امکان برای مناطق محروم حذف شده و یا دست‌کم به کمترین مقدار خود تنزل داده شده است و این همه می‌تواند باعث شود تا منابع سطح بالاتر آموزشی فقط در دستری عده‌ایی قرار گیرد که در شهرهای بزرگتر و برخوردارتر زندگی می‌کنند که این مهم با اصل عدالت آموزشی در تناقضی آشکار است.

پذیرش دانشجوی بومی در دانشگاه‌های کشور نوعی دامن زدن به بی‌عدالتی آموزشی تلقی می‌شود زیرا بسیاری از امکانات آموزشی، اساتید مجرب و فرصت‌های علمی در شهرهای بزرگتر مانند تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز و چند نقطه دیگر از کشور متمرکز و انباشت شده است. اگر دانشجویی کرد از یکی از شهرستان‌های کردستان مثلاً کامیاران داوطلب ورود به دانشگاه باشد به احتمال زیاد در دانشگاه کردستان، کرمانشاه و یا ارومیه پذیرفته می‌شود. این دانشگاه‌ها نه به لحاظ امکانات آموزشی و نه به لحاظ اساتید مجرب و سایر عوامل هیچگاه هم‌سنگ دانشگاه‌های تهران و چند شهر خاص دیگر نخواهد بود. در نتیجه این وضعیت می‌تواند در آینده به بازتولید گسترده محرومیت در این مناطق و به گسترش نابرابری توسعه‌ای در مناطق مختلف کشور منجر شود.

واقعیت آن است که از نگاهی کلان سیاست بومی‌گزینی به‌نحوی ناخواسته باعث گسترش و تشدید فعالیت‌های منطقه‌گرایانه در دانشگاه‌های استان‌های مرزی ایران شده است به گونه‌ای که نشریه‌های دانشجویی بسیاری با محتوای قومی و در جهت دامن زدن به تحرکات قوم‌گرایانه در دانشگاه‌ها به فعالیت مشغولند. آمارهای غیر

رسمی حکایت از آن دارد که بیش از یکصد نشریهٔ دانشجویی با محتوای قومی در دانشگاه‌ها منتشر می‌شوند که برخی از آنها توزیعی عام دارند. بدیهی است در شرایط حساسی که کشور به لحاظ مرزهای پرخطر خود با آن مواجه است دامن زدن به گرایش‌های قومی خطری بالقوه محسوب می‌شود که می‌تواند در بلندمدت به عنوان خطری برای امنیت ملی تلقی گردد.

با این نگاه بومی‌گزینی باعث رواج و گسترش زبان‌های محلی و در مقابل، انزوای زبان ملی (فارسی) در دانشگاه‌های استان‌های مرزی شده است. تمرکز یافتن دانشجویان مناطق در استان‌ها و مناطق خویش باعث شده تا دانشجویان اطلاعی اندک از مناطق دیگر کشور و تاریخ و اوضاع سایر مناطق داشته باشند. بنا به گزارش‌هایی که از این دانشگاه‌ها دریافت می‌شود معمولاً اقلیتی از دانشجویان استانهای دیگر که در این دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند به دلیل تفاوت زبانی و تکلم به زبان فارسی تحت فشار قرار می‌گیرند. وجود اساتید بومی نیز باعث تشدید هر چه بیشتر این وضعیت شده است. با توجه به استقلال گروه‌های علمی در دانشگاه‌ها، معمولاً اساتیدی از همان مناطق نیز از سوی آن گروه‌های علمی به عنوان عضو هیات علمی پذیرفته می‌شوند و این امر باعث تقویت بیشتر منطقه‌گرایی می‌شود. بدین ترتیب مسیر سیاست‌گذاری‌ها در جهت مخالف هدف ایجاد وحدت ملی در حرکت است و در عوض باعث رشد محلی‌گرایی شده است. این وضعیت تنها به دانشگاه‌های دولتی محدود نمی‌شود و دانشگاه آزاد را نیز در بر می‌گیرد. داوطلبان دانشگاه آزاد نیز مکلفند رشته‌هایی را از استان محل آزمون خود انتخاب کنند و مجاز نیستند انتخابی از سایر استان‌ها داشته باشند و این باعث می‌شود معمولاً این انتخاب از استان محل سکونت داوطلب صورت گیرد. بنابراین لازم است اقدامی جدی برای رفع این معضل صورت پذیرد.

از طرف دیگر عدم ارتباط و قطع ارتباط نخبگان مناطق محلی با نخبگان و مردم دیگر نقاط ایران کارکرد منفی دیگر این‌گونه طرح‌ها است و انسجام ملی و همبستگی ملی ایرانیان به عنوان یک استراتژی و راهبرد مهم از منظر طراحان این‌گونه طرح‌ها مغفول مانده است. آمد و شد نخبگان علمی مناطق مختلف کشور

به اقصى نقاط کشور ضمن ایجاد زمینه مفاهمه و ارتباط گسترده‌تر و آشنایی ایرانیان با یکدیگر زمینه نزدیکی بیشتری میان آنان را فراهم کرده و در یک منظر کلان و آینده‌نگر منافع ملی را مد نظر قرار خواهد داد. اما با این همه نمی‌توان از نگاه آنان که با این دسته از سیاست‌ها موافق بوده و دلایل قابل اعتنایی را بیان می‌کنند چشم پوشاند. اهم دلایل موافقت آنان را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- مشکلات اجتماعی ناشی از ورود دانشجویان غیربومی به شهرهای بزرگ
- مسائل مالی و معیشتی دانشجویان
- معضلات مربوط به اسکان و خوابگاه

اما واقعیت آن است که هر سه این معضلات- که اتفاقاً در پژوهش‌ها نیز تایید می‌شود به طوری که معضلات اخلاقی، مصرف مواد مخدر، ایجاد آسیب‌های اجتماعی و مواردی از این دست برای دانشجویان غیربومی آمار بالاتری را نشان می‌دهد؛ هیچ‌کدام دلیل قانع‌کننده‌ایی برای محدود ساختن دانش‌آموزان در دسترسی به موقعیت تحصیلی برابر و استفاده از فرصت‌های آموزشی برابر نیست که در مغایرت آشکار با قانون اساسی کشور است که تمامی این حقوق را به رسمیت می‌شناسد. در واقع اعمال قدرت کردن در نحوه پذیرش دانشجوی موضوعی است که باید محل دقت قرار گیرد و درست یا غلط بودن آن به اجماع عمومی بین سیاست‌گذاران کلان آموزشی برسد. سیاست‌هایی که در هر زمان به نوعی نحوه ورود دانش‌آموزان به دانشگاه را از طریق وضع و اجرای ماده‌های قانونی جدید مدیریت می‌کنند. این درحالی است که دانش‌آموزان در ازای زحمتی که برای آینده‌ی خود کشیده‌اند این انتظار را از حاکمیت دارند که حق انتخاب آن‌ها را در استفاده‌ی برابر از فرصت‌ها به رسمیت بشناسند. و در این میان دانش‌آموزان مناطق محروم انتظار دارند با تبعض مثبت زمینه‌ی بهره‌برداری آنان از فضاهای بهتر آموزشی فراهم آید و نه زمینه حذف آنان از شرایط بهتر و امکانات مطلوب‌تر.

لذا کاهش این آسیب‌ها و عوارض ناشی از مشکلاتی که بیان شد با سیاست‌های بومی‌گزینی حذف نمی‌شود که تنها نادیده گرفتن صورت مساله است. دانشگاه‌ها با فراهم آوردن محیطی امن، فضای اسکان مناسب، همراهی‌های مطمئن با دانشجوی و

تربیت او برای تبدیل شدن به شهروندی مولد باید این چالش‌ها را مدیریت کنند که اعمال سیاست‌های بومی‌گزینی در کنار افزایش نارضایتی عمومی بین جوانان می‌تواند تنها عامل به تاخیر انداختن نتایج حاصل از چالش‌های مدیریت نشده‌ای باشد که در روزمره‌ی آموزش عالی ایرانی جاری هستند و اثرگذار.

به عنوان مثال موافقان معتقدند که هزینه اسکان خوابگاهی که زیرمجموعه‌ی هزینه‌های رفاهی دانشگاه قرار می‌گیرد بسیار سنگین است اما آمارها حکایت از رشد فزاینده بودجه‌های رفاهی و خوابگاهی در این دوره مورد بررسی دارد، زیرا حتی اگر کسی از روستای مجاور مرکز استانی در دانشگاه همان شهر پذیرفته شود باز به خوابگاه نیاز دارد. آمارها نشان می‌دهند که طی ۱۰ سال اخیر به تناسب رشد پذیرش محلی و بومی دانشجو از شمار دانشجویان متقاضی خوابگاه و در نتیجه بودجه‌های جاری و رفاهی کاسته نشده است. کما اینکه حتی با فرض کاهش بودجه‌های رفاهی باز این مقوله توجیه مناسبی برای محلی‌گرایی در پذیرش دانشجو به نظر نمی‌رسد چرا که این روند عامل ایجاد هزینه‌هایی به مراتب گسترده تر برای منافع ملی و بر پیکره همبستگی ملی در حوزه‌های مختلف خواهد بود که پیش از این مورد اشاره قرار گرفتند. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باید همت خود را در جهت تامین خوابگاه‌ها مصروف دارد. با توجه به اهمیت موضوع، و ارتباط آن با منافع ملی کشور باید آن را از موارد دارای اولویت شمرد و بودجه لازم برای آن را بدون هیچگونه تردید تامین کرد. باید به این باور برسیم که ساخت و تجهیز خوابگاه‌ها و اقداماتی از این دست خود نوعی سرمایه‌گذاری است و منفعی که به دنبال دارد بیش از هزینه‌ای است که صرف آن می‌شود. البته این نکته را نیز باید در نظر داشت که برآوردی وجود ندارد که نشان دهد سیاست بومی‌گزینی مشکل نیاز به خوابگاه و به تبع آن مشکلات اخلاقی را حل کرده باشد.

از سوی دیگر اگر وزارت علوم تاکید بر توزیع دانشجویان نخبه در سطح کشور دارد با نگاه به توزیع عادلانه‌ی امکانات آموزشی نخست باید دانشگاه‌های مناطق محروم را چه به لحاظ تجهیزات فیزیکی و چه از منظر منابع انسانی به درستی تجهیز نماید و آن‌گاه از دانشجویان انتظار داشته باشیم که اگر مایل هستند این دانشگاه‌ها را برای ادامه‌ی تحصیل برگزینند. نمونه‌ی موفق این امر را می‌توان در

دانشگاه علوم پایه زنجان دید. این دانشگاه به لحاظ امکانات و نیروی انسانی تمام تسهیلات را برای دانشجویان فراهم آورده و آنان با رضایت خاطر مایل به تحصیل در آن دانشگاه هستند و نیازی به سیاست بومی‌گزینی هم برای انتخاب این دانشگاه از سوی دانش‌آموزان استان زنجان وجود ندارد که خود با میل و رغبت آن را انتخاب می‌کنند.

همچنین در این مسیر می‌توان سیاستی اتخاذ شود که ضمن رعایت اصل استقلال گروه‌های علمی مانع از تمرکز اساتید مناطق در منطقه خودشان شود. بدین منظور شاید بتوان سیاست جابجایی دوره‌ای اساتید را مدنظر قرار داد و به این ترتیب فضایی برای توزیع امکانات آموزشی فراهم آورد.

اما آن‌چه که رخ داده تفاوت واقعیت‌های موجود با اهدافی است که بانیان طرح بومی‌گزینی به دنبال آن بوده‌اند. بسیاری از اساتید دانشگاه‌های تهران اذعان دارند به صورت چشم‌گیری سطح کلاس‌ها به لحاظ توان آموزشی و پشتوانه‌ی استعدادی کاهش یافته است. عدم پذیرش قومیت‌های دیگر در حال افزایش است و نرخ معضلات اجتماعی و اخلاقی هم‌چنان عدد بالایی را به خود اختصاص داده است. و همه‌ی این‌ها در کنار این واقعیت که دانش‌آموزان احساس می‌کنند محکوم هستند تا در شهرهای محروم خود بمانند و امکان تجربه‌های جدید برایشان به سختی مهیا می‌شود شرایط را سخت‌تر می‌سازد.

فرزندان این مرز و بوم به دولت‌مردانی نیاز دارند که رشد و بالندگی آنان را سرلوحه‌ی هر تصمیم‌سازی قرار دهند. فرزندانی که سطح توسعه‌یافتگی فردای این مملکت به آموزش‌دیدگی آن‌ها و بارور شدن استعدادهایشان وابسته است. فرزندانی که باید کشورشان را بشناسند، قومیت‌هایش را ارج نهند و به پشتوانه تاریخی و گوناگونی قبیله‌ای خود افتخار کنند. فرزندانی که باید مدیریت تفاوت را در دانشگاه بیاموزند، مدیریت اوقات فراغت خود را در دانشگاه بیاموزند و روزهای دانشگاهی خود را به عنوان موثرترین دوره در شناخت و شکل‌دهی یک نظام ارزشی پویا و اثرگذار در باقی دوره‌های زندگی به یاد آورند.

با این همه به نظر می‌رسد سیاست‌های بومی‌گزینی تا کنون نتوانسته نتایج مثبتی را به همراه بیاورد و سبب دامن زدن به اختلافات قومی، کاهش استقلال در

دانشجویان و محدود شدن استفاده از امکانات برتر آموزشی در دست عده‌ایی که در شهرهای برخوردار زندگی می‌کنند شده است. از این رو انتظار می‌رود نسبت به اصلاح این سیاست اقدام شده و از سوی دیگر با تصویب قانونی لازم‌الاجرا زمینه را برای تغییراتی که هر کس به دلخواه خود می‌تواند بر این قانون وارد آورد مسدود ساخت.

منابع:

- باقری‌خواه، زهرا، عارفی، محبوبه، و جمالی، احسان. (۱۳۹۰). وضعیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر تهران، اعضای هیأت علمی سازمان سنجش و مسئولان ذی ربط آموزش عالی. *فصلنامه/اندازه گیری تربیتی*. ۶ (۲)، ۱۳۶-۱۱۱.
- حسینی‌بیدخت، محسن، و حسین‌پور، سهیلا. (۱۳۸۹). چالش‌ها و جنبه‌های مغفول بومی‌سازی در آموزش عالی. *مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای بومی‌سازی مدل پیشرفت آموزش عالی*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد سسندج. اسفند. ۵۳-۶۶.
- رجبی معماری، اسماعیل. (۱۳۸۸)، بررسی آسیب شناسی سیاست بومی‌گزینی در آزمون سراسری مراکز آموزش عالی دولتی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران. رشته تحقیقات آموزشی. ایران: اهواز.
- صالحی عمران، ابراهیم، عالیشوندی، اقدس، و کاوه‌ای، بهروز. (۱۳۹۰). بررسی سیاست پذیرش دانشجوی بومی از منظر دانشجویان و مدیران آموزش عالی. *مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی مدیریت، آینده‌نگری، کارآفرینی و صنعت در آموزش عالی*. دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. ۴۳-۵۶.
- قلی‌پور، رحمت الله، و وثوقی نیری، عبدالله. (۱۳۹۳). *تحلیل سیاست‌پژوهانه قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور*. *مطالعات منابع انسانی*. ۳ (۱۱)، ۱۲۸-۱۰۳.
- مرجائی، سیده‌ادی. (۱۳۹۰). گزارش نهایی پروژه بررسی تفاوت عملکرد آموزش، ارزش‌ها، نگرش‌ها و آسیب‌های دانشجویان تهرانی (بومی) در مقایسه با دانشجویان غیرتهرانی ساکن در خوابگاه‌ها (غیربومی) - تحلیل داده‌های پایه

پیمایش‌های انجام شده در دانشگاه‌های تهران. طرح پژوهشی. پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی. ایران: تهران.

- مهرعلی‌زاده، یداله، رجبی معماری، اسماعیل، و الهام‌پور، حسین. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی سیاست بومی‌گزینی کنکور. (تحلیل محتوای سایت‌های اینترنتی و رسانه‌های عمومی کشور). *فصلنامه‌ی انجمن آموزش عالی ایران*. ۴(۴)، ۱۵۸-۱۱۹.
- دفترچه آزمون‌های سراسری سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۹۳-۱۳۹۴
- سایت شورای اعلی انقلاب فرهنگی

لیست گزارش‌های تخصصی

۱. گسست و بازیپوست آموزش پزشکی به آموزش عالی یا ادغام آموزش پزشکی در وزارت بهداشت؟ (حمید جاودانی)
۲. بررسی تطبیقی ساختار دانشگاه‌ها در کشورهای دنیا و ایران در جهت پیشنهادی برای کوچک‌سازی دانشگاه‌ها و گروه‌های تحصیلی (سمیه فریدونی)
۳. شناسایی و حمایت از استعدادها برتر و نخبه در کشورهای دنیا و ایران (مهتاب پورآثی)
۴. مطالعه تطبیقی دوره‌های آموزشی کوتاه مدت در کشورهای دنیا (با اولویت کشورهای پیشرو) و رهیافت‌هایی برای ایران (مهتاب پورآثی)
۵. جهانی شدن دانشگاه‌ها در ایران؛ تحول در برنامه درسی دانشگاهی (زهرارشیدی)
۶. تحلیل وضعیت کیفیت آموزشی در دانشگاه‌های ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن (زهرارشیدی)
۷. الزامات و زیرساخت‌های لازم برای جذب دانشجوی بین‌المللی در ایران (یعقوب انتظاری)
۸. الزامات و زیرساخت‌های جذب دانشجویان بین‌المللی به ایران (غلامرضا ذاکر صالحی)
۹. بررسی انواع کادر علمی و تعاریف و جایگاه آن (آموزشگر، محقق و ...) در دانشگاه‌های پیشرفته دنیا و چگونگی ارتقای مرتبه آنها و ارائه پیشنهادهایی برای ایران (اصغر زمانی)
۱۰. شناسایی حوزه‌های جدید درسی و رشته‌ای در دانشگاه‌های برتر دنیا و ارائه پیشنهاداتی برای دانشگاه‌های ایران (سیده مریم حسینی لرگانی)
۱۱. تحلیلی بر توزیع استانی بودجه آموزش عالی در ایران (مبانی نظری و کاربردهای سیاستگذاری) (یعقوب انتظاری)
۱۲. روش‌های نوین تدریس در دانشگاه‌ها؛ یادگیری مبتنی برمسأله (راهنمای تدریس) (زهرارشیدی)